

گزارش

سخنگوی وزارت خارجه:

توافق با آمریکا بدون رفع مؤثر تحریم‌ها حاصل نمی‌شود

وحیده کریمی؛ در میانه فشارهای فزاینده سیاسی و فنی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قدرت‌های غربی، ایران مواضع خود را بار دیگر به‌صراحت اعلام کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری اخیر خود نه‌تنها گزارش آژانس را حاصل «بزرگ‌نمایی» خواند، بلکه آن را نتیجه فشار سیاسی کشورهای غربی دانست و بر پابندی ایران به همکاری صلح‌آمیز با آژانس تأکید کرد. در این میان، موضوع رفع تحریم‌ها همچنان خط قرمز تهران در هرگونه مذاکره با ایالات متحده باقی مانده است.

گزارش آژانس؛ فنی یا سیاسی؟

بقایی در واکنش به گزارش اخیر آژانس، با بیان اینکه این گزارش عمدتا حاوی موارد تکراری و بزرگ‌نمایی‌شده است، آن را سندی تحت فشار کشورهای اروپایی دانست که می‌کوشند از بیست‌رهای فنی برای افزایش فشار سیاسی علیه ایران بهره‌برداری کنند. او گفت: «این‌گونه تحركات، اعتبار آژانس را مخدوش می‌کند». به گفته بقایی، در گزارش اخیر، لغو انتصاب شمار محدودی از بازرسان که طبق مقررات انجام شده، مورد تمرکز قرار گرفته است، درحالی‌که فعالیت ده‌ها بازرس دیگر که همچنان مشغول نظارت بر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران هستند، نادیده گرفته شده است. او این رویکرد را «جهت‌دار و مغرضانه» توصیف کرد.

در بحث دالان زنگرور؛ اولویت با حفظ تمامیت ارضی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤال «شرق» که «به‌تازگی رئیس‌جمهور ترکیه از افتتاح دالانی به نام زنگرور در جنوب ارمنستان صحبت کرده که ظاهرا قرار است جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل کند، رئیس‌جمهور ترکیه گفته است انتظار دارد ایران هم از این دالان حمایت کند. موضع شما چیست؟» پاسخ داد: ابتدا لازم می‌دانم متذکر شوم که در استفاده از عناوین و مفاهیم دقت شود که متضمن نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دیگر کشورها نباشد. آنچه تحت عنوان دالان یا راهگذر یا کریدور زنگرور از آن نام برده می‌شود، عنوانی براساخته است که با روح هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در منطقه، منطق همسایگی و احترام به تمامیت ارضی دیگر کشورها مغایرت دارد و لازم است با تکرار آن پرهیز شود. درباره همکاری‌های منطقه‌ای و رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی، ما از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه اقتصادی از جمله احیا و گشایش مسیرهای ارتباطی و مواصلاتی در چارچوب احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها حمایت می‌کنیم و آن را در راستای شکوفایی و توسعه اقتصادی منطقه ارزیابی می‌دانیم. او ادامه داد: ما بارها گفته‌ایم و اکنون هم تصریح می‌کنیم که ایجاد یا احیا هر مسیری باید مطلقا با رعایت اصول و مبانی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه احترام به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی کشورها، و بدون هرگونه دستکاری یا تغییر در مختصات ژئوپلیتیک منطقه انجام و منافع متقابل کشورهای ذی‌مدخل کاملاً تأمین شود. بقایی افزود: مناقشه در منطقه قفقاز جنوبی خاتمه یافته و هیچ توجیهی برای رفتار تنش‌آمیز یا استفاده از زبان زور و ادعاهای ارضی یا تاریخی و عناوین خودخوانده وجود ندارد. ما امیدواریم موافقت‌نامه صلح بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان امضا شود و از همه طرف‌های ذی‌نفع در منطقه می‌خواهیم امضای این موافقت‌نامه را توصیه و از آن حمایت کنند.

تصمیمات مقتضی در صورت تحركات غربی

سخنگوی وزارت خارجه تصریح کرد این‌علی‌رغم این گزارش‌ها، مایل به حفظ همکاری خود با آژانس است، اما اگر تحركات غربی ادامه یابد، «تصمیمات مقتضی» اتخاذ خواهد شد. او هشدار داد آژمودن راه‌های قبلی شکست‌خورده علیه ایران، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

جاسوسی یا فشار هماهنگ غربی؟

در ادامه نشست، بقایی به ادعای اخیر فنلاند مبنی بر جاسوسی ایران از این کشور نیز واکنش نشان داد. او با ابراز تعجب از طرح این موضوع، آن را بخشی از «ویکرد هماهنگ غرب» برای اعمال فشار علیه تهران دانست و گفت: سفیر فنلاند به وزارت خارجه احضار شد و ایران توضیح رسمی خواسته است.

شرط اول ایران؛ رفع تحریم‌ها

اما مهم‌ترین محور نشست خبری سخنگوی وزارت خارجه، بار دیگر تأکید بر مطالبه اصلی ایران در گفت‌وگوهای هسته‌ای یعنی رفع تحریم‌ها بود. بقایی گفت: «ما هیچ تفاهمی را نمی‌پذیریم مگر آنکه تحریم‌ها به طور شفاف و مؤثر برداشته شود». او با انتقاد از تناقض‌های سیاست آمریکا، از یک سو به ادعاهای دولت این کشور برای تقاهم اشاره کرد و از سوی دیگر، تصویب تحریم‌ها جدید در کنگره را نشانه عدم اراده واقعی در واشنگتن برای پیش‌رودن دیپلماتیک دانست. به گفته او، نمی‌توان قائل به تفکیک میان کنگره و دولت آمریکا بود؛ چراکه از نگاه ایران، این دو «مجموعه‌ای واحد» تلقی می‌شوند.

توقف تحریم‌ها؛ شایعه یا واقعیت؟

در واکنش به گزارش‌هایی از سوی برخی رسانه‌های آمریکایی درباره احتمال توقف تحریم‌های جدید، بقایی گفت: چنین ادعاهایی برای ایران فاقد اعتبار است. او با لحنی کنایه‌آمیز خطاب به خبرنگار گفت: «شما این گزارش را باور کردید؟». او تأکید کرد که ایران به هیچ اظهارنظر شفاف‌هی یا خبری استناد نمی‌کند و تنها چیزی که اهمیت دارد، «تأثیر عملی رفع تحریم‌ها در حوزه‌های اقتصادی و تجاری» است.

تبادل منون به معنای توافق نیست

درباره سفر وزیر خارجه عمان به تهران و ارائه پیام‌هایی از سوی طرف آمریکایی، بقایی گفت: «تحویل‌گرفتن یک متی، نه به معنای پذیرش آن است و نه حتی نشان از قابل پذیرش بودن آن دارد». او تبادل متون را بخشی از روال عادی هر مذاکره دانست و افزود: «هر متنی که متضمن خواسته‌های حداکثری و نادیده‌اندگاری حقوق ملت ایران باشد، با واکنش مثبت مواجه نخواهد شد».

بقایی در پاسخ به پرسشی درباره برگزاری دور ششم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، از تداوم تعاملات با عمان به عنوان میانجی خبر داد و احتمال تصمیم‌گیری درباره «چگونگی ادامه روند» را مطرح کرد. او همچنین تأکید کرد که ایران هیچ‌گاه طرف مقابل را بی‌خبر از خطوط قرمز خود نگذاشته و انتظار دارد هرگونه پیشنهاد، در چارچوب پنج دور پیشین مذاکرات باشد.

ایده کنسر سیوم؛ قابل بررسی، اما نه جایگزین

او در واکنش به طرح ایده «کنسر سیوم هسته‌ای» از سوی برخی رسانه‌ها گفت: «اگر چنین ایده‌ای به منظور همکاری مشترک در تأمین سوخت رآکتورها باشد، قابل بررسی است، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین غنی‌سازی در داخل ایران شود». او همچنین تأکید کرد که ایران با مشارکت‌های منطقه‌ای مشکلی ندارد، اما اصل اساسی حفظ توانمندی داخلی کشور در حوزه فناوری هسته‌ای است.

بقایی در واکنش به اظهارات مقامات اروپایی مبنی بر حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین گفت: «این ادعاها از همان ابتدا بدون سند و بیه‌پایه بوده‌اند و بارها توسط ایران رد شده‌اند». او افزود: «اگر مبنای این اتهامات، روابط نزدیک ما با روسیه است، باید گفت این روابط، راهبردی است و علیه هیچ طرف ثالثی نیست».

مصر، فلسطین و دیپلماسی منطقه‌ای

سفر اخیر وزیر خارجه ایران به مصر نیز محور پرسش دیگر خبرنگاران بود. بقایی این سفر را در چارچوب روابط دوجانبه دانست و گفت: رایزنی‌هایی درباره تحولات فلسطین و همچنین موضوع گفت‌وگوهای غیرمستقیم با آمریکا نیز در آن انجام شده است.

واکاوی روابط تهران با قاهره و بیروت در گفت‌وگو با محمدعلی سبحانی

از غبار تاریخ تا افق همگرایی

محمدعلی سبحانی؛ تهران و قاهره از اختلافات تاریخی عبور کرده‌اند؛ ایران سیاست خود را بر اساس «لبنان جدید» تعریف کند



عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ عباس عراقچی عصر یکشنبه برای سفر به مصر و لبنان، تهران را به مقصد قاهره و بیروت ترک کرد. روابط ایران و مصر به عنوان دو بازیگر کلیدی خاورمیانه، در طول تاریخ معاصر فرازوفروده‌های بسیاری را تجربه کرده است. پس از انقلاب اسلامی و امضای پیمان کمپ دیوید، روابط دو کشور قطع شد و به سطح دفترهای حافظ منافع تنزل یافت. این گسست برای دهه‌ها ادامه یافت. دهه ۱۳۸۰ با افزایش قدرت ایران در منطقه و نقش محوری مصر در جهان عرب، ضرورت گفت‌وگو برای احیای روابط را برجسته کرد. اگر چه در دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی، ایران با رویکرد تنش‌زدایی، مذاکراتی با طرف‌های مصری را پیش برد، اما در نهایت برخی اتفاقات مانع از احیای روابط شد. بهار عربی در ۱۳۹۰ و روی کار آمدن محمد مرسی، روزنه‌ای برای نزدیکی ایجاد کرد. سفر او (مرسی) به تهران در ۱۳۹۱ برای اجلاس عدم تعهد، اولین حضور یک رئیس‌جمهور مصری پس از انقلاب بود. ولی کودتای ۱۳۹۲ و قدرت‌گیری عبدالفتاح السیسی، روابط را دوباره سرد کرد. با این حال، نشانه‌های بهبود در سال‌های اخیر پدیدار شده است. دولت چهاردهم از ۱۴۰۳، عملاً تقویت روابط با مصر را در اولویت قرار داده است. سفر مسعود پزشکیان به قاهره در آذر ۱۴۰۳ برای حضور در اجلاس DA، پس از ۱۲ سال و دیدارش با السیسی، گامی کلیدی در این مسیر بود. دیدار رؤسای جمهور دو کشور در حاشیه اجلاس بریکس در آبان ۱۴۰۳ نیز این روند را تقویت کرد. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، هم با سه سفر به مصر در مهر و آذر ۱۴۰۳ و سفر جدیدش (خرداد ۱۴۰۴) و تماس‌های مکرر با بدر عبدالعاطی، همتای مصری خود، نقش جدی در پیشبرد این روابط تهران – قاهره ایفا کرده است. سفر روز یکشنبه هفته جاری عراقچی، به دعوت بدر عبدالعاطی، با هدف رایزنی درباره روابط دوجانبه، بحران فلسطین و تحولات جهانی، ادامه‌دهنده این مسیر است. به گفته رئیس دفتر حافظ منافع ایران در قاهره، ۸۰ درصد اختلافات دو کشور در سه سال اخیر حل شده است. همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی، مانند مذاکرات لغو روادید در اجلاس DA، نیز به نزدیکی ملت‌ها کمک کرده است. با این حال هنوز شاهد ازسرگیری رسمی روابط ایران و مصر در سطح سفیر نستیم. ازاین‌رو و برای آسیب‌شناسی بهتر از دلایل و عواملی که مانع از احیای روابط تهران و قاهره در این سال‌ها شده‌اند، با محمدعلی سبحانی به گفت‌وگو نشستیم. مدیرکل خاورمیانه وزارت خارجه در دولت اصلاحات بر ضرورت ازسرگیری رسمی روابط دو کشور تأکید دارد. در ادامه کی‌وگفت با سفیر اسبق ایران در قطر، به بخش دیگری از سفر عراقچی به لبنان هم ورود کرده‌ایم. سبحانی که در کارنامه دیپلماتیکش سابقه سفیری در لبنان را هم دارد، تحلیلی درخور توجه از فضای جدید در روابط تهران – بیروت ارائه می‌دهد که در ادامه مشروح آن را می‌خوانیم.

✳️ ضرور یک‌شنبه، عباس عراقچی راهی مصر شد و با عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور و بدرالعاطی، وزیر امور خارجه این کشور، درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دیدار و رایزنی داشت. سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، هم پس از سفر اردیبهشت‌ماه سال جاری به کشور مصر خبر داد که در آینده نزدیک حرکت گردشگران دو کشور (ایران و مصر) آغاز می‌شود. اما سؤال اصلی اینجاست که چرا روابط به سطح سفیر بازمی‌گردد. در یک نگاه کلی و مشخصا از دولت اصلاحات، تلاش‌هایی در دوره شما برای احیای روابط با مصری‌ها انجام شد، اما بدون تعارف خروجی لازم را به دنبال نداشت. واقعا چه عامل یا عواملی باعث شده که هنوز ما دفتر حافظ منافع در قاهره داشته باشیم؟

متأسفانه رابطه جمهوری اسلامی ایران و مصر به درازای عمر انقلاب اسلامی ایران قطع بوده است و در طول بیش از چهار دهه گذشته روابط دو طرف فرازوشیب‌های زیادی داشته است، بنابراین یک‌شبه روابط احیا نمی‌شود. قطع روابط راحت اما احیای روابط کار بسیار سختی است که به پارامترها و فاکتورهای متعددی نیز دارد. به هر حال شرایط دو کشور، فضای منطقه و معادلات جهانی هم دخیل هستند تا دو کشور مانند ایران و مصر روابط خود را احیا کنند. از منظر من، مصر مهم‌ترین کشور عربی است که مشخصا در موضوع تقابل اعراب و اسرائیل نقش‌آفرینی جدی و بی‌بدیلی دارد. چون همواره با حضور مصری‌ها بوده است که معادلات بین اعراب و اسرائیل پیش رفته است و همواره شاهد بودیم که در جنگ‌هایی که علیه اسرائیل شکل گرفت، مصر یک بازیگر مرکزی و کانونی بوده است، تا جایی که در جهان عرب معروف است، «هیچ جنگی در خاورمیانه بین اعراب و اسرائیل رخ نمی‌دهد، مگر اینکه مصر در آن نقش‌آفرین باشد». بعد از پایان جنگ اعراب و اسرائیل، باز هم مصری‌ها نقش بسیار جدی در مناسبات منطقه‌ای داشتند و اتفاقا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قطع روابط تهران و قاهره ناظر به همین مسئله بود. به هر حال فضای انقلابی در ایران این شرایط را به وجود آورد. البته این مسئله فقط مختص و محدود به ایران نبود، بلکه بعد از امضای پیمان صلحی که با اسرائیل انجام شد، روابط مصر در آن برهه با خیلی از کشورها قطع شد که ایران هم در همین چارچوب می‌گنجد.

✳️ اگر بخوایم در گذشته‌نمانیم و نگاهی به تحولات امروز داشته باشیم، چرا هنوز روابط به سطح سفارت بازنگشته است؟

تاکنون تلاش‌های زیادی برای احیای روابط با مصر انجام شده و قطعا فضای کنونی در طول بیش از ۴۰ سال گذشته کاملا متفاوت بوده است. با این حال در همین مدت و در برهه‌های مشخصی به دلیل تغییر وضعیت منطقه و جهان، روابط ایران و مصر هم دچار نوسان شد. در کل اقتضانات منطقه‌ای و بین‌المللی به این سمت پیش رفت که روابط دو کشور در مسیر توسعه و احیا قرار بگیرد و همان‌طور که شما عنوان کردید، مهم‌ترین برهه‌ای که سعی شد روابط با مصر احیا شود، در دوره اصلاحات بود که همان زمان آقای خاتمی با رئیس‌جمهور وقت مصر گفت‌وگو کرد و وزرای امور خارجه و هیئت‌های کارشناسی دو کشور تا ندوین سند نهایی احیای روابط پیش رفتند و باینیه تنظیم روابط دو کشور هم شده بود، ولی در آن مقطع خاص، برخی عوامل که پیش‌تر در گفت‌وگو با شما به تفصیل به آن پرداختم، موجب شد که روابط دو کشور احیا نشود. البته بعد از آن هم، تلاش‌های زیادی در دولت‌های مختلف شکل گرفت که تا به امروز هم ادامه دارد. اما در کل به نظر من به دلیل شرایط منطقه و مهم‌تر از آن، شرایط داخلی مصر که دولت و حکومتی منبعث از ارتش این کشور قدرت را در دست گرفته، ظرفیت و توانایی لازم برای احیای روابط با جمهوری اسلامی ایران را دارد.

✳️ نکات شما درست، ولی با وجود توضیحاتتان هنوز این سؤال برای من بدون پاسخ مانده که اگر احیای روابط ایران و مصر تابعی از اقتضانات دو کشور، منطقه و جهان است، چرا در این نقطه مانده‌ایم؟ در هر حال باید بپذیریم که شرایط کنونی در سال ۲۰۲۵ کاملا متفاوت از سال ۱۹۷۹ است. ضمنا اگر قاهره تابعی از دیپلماسی و سیاست خارجی کشورهای عربی مانند عربستان باشد یا در یک نگاه کلان‌تر، قطب‌نامکی معادلات واشنگتن تنظیم کند، هم روابط تهران با ریاض در مسیر مناسب قرار دارد و هم مذاکرات هسته‌ای ایران و ایالات متحده در دستورکار قرار دارد. پس باید پرسید که واقعا این میزان از نگاه محتاطانه قاهره در قبال برقراری روابط با تهران چگونه قابل تحلیل است؟ اساسا مصری‌ها از چه بیم دارند؟ آیا کماکان نگران برخی افراط‌گرایی‌ها هستند که شاهد مثال اخیر آن، در روابط ایران و عربستان روی داد و یک فرد به دنبال برهم‌زدن روابط دو کشور بود؟

به سؤال بسیار مهمی اشاره کردید که حاوی چند نکته است؛ اولاً من هم اذعان دارم یکی از تکراری‌های جدی مصر به همین رفتارهای برخی افراد و چهره‌ها بازمی‌گردد...

✳️ کمااینکه عنوان کردید در دوره شما برخی اقدامات از سوی برخی چهره‌ها، تلاش‌ها برای احیای روابط تهران – قاهره را ناکام گذاشت.

بله، متأسفانه این دست رفتارهای فردی، جناحی و سیاسی است که به عنوان مهم‌ترین نقطه ضعف سیاست خارجی و دیپلماسی منطقه‌ای ایران در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته عمل کرده است. یک جریان همیشه در این سال‌ها مانع از برقراری و ارتقای روابط ما با برخی کشورهای مشخص شده است، با وجود تمام تکاپوها و تلاش‌های دیپلماتیک برای کنترل و

مدیریت روابط و ارتقای سیاست خارجی، منطقه‌ای و بهبود مناسبات با همسایگان، برخی رفتارها، موضع‌گیری‌ها و تصمیمات همه چیز را در لحظه خراب می‌کند که برای ترمیم آن، سال‌ها زمان نیاز دارد. همان‌طور که گفتم، قطع روابط کار سختی نیست، اما احیای روابط است که امری پیچیده و زمان‌بر خواهد بود و بسیاری از فاکتورها، عوامل و بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در آن اثرگذارند. اما اکنون دو تفاوت اساسی در مقایسه با سال‌های گذشته وجود دارد. ابتدا به ساکن، آگاهی جامعه ایران درباره این دست رفتارها افزایش پیدا کرده و دیگر استقبالی از آن نمی‌شود و با وجود برخی تلاش‌های مخرب علیه امنیت و منافع ملی

و سیاست خارجی، دیگر حمایتی از سوی افکار عمومی به این دست رفتارها نمی‌شود. ضمن آنکه غالب بدنه همان جریان سیاسی هم از این دست رفتارهای مخرب حمایت نمی‌کند. اما نکته مهم‌تری که باید مد نظر قرار داد، این است که اکنون هوشمندی و انعطاف سیاست خارجی کشورهای منطقه هم افزایش پیدا کرده است. همان‌طور که شما گفتید، شاهد مثال اخیر آن در روابط ایران و عربستان سعودی بود و با وجود آنکه یک موضع‌گیری نسنجیده می‌توانست بحرانی در مناسبات تهران – ریاض ایجاد کند، اما عربستان هم دیگر مانند گذشته عمل نمی‌کند. اکنون این درک مشترک بین ایران و عربستان و حتی ایران و مصر شکل گرفته تا بتوانند این دست مشکلات و موانع در روابط را کنترل و مدیریت کنند. به هر حال فضای کنونی منطقه، شرایط خود کشورها و همچنین اقتضانات جامعه جهانی به سمتی پیش رفته که دیگر مانند سال‌ها و دهه‌های گذشته یک اتفاق، یک تصمیم یا یک موضع نسنجیده نمی‌تواند نقش‌آفرین باشد، چون همه به یک درک، انعطاف و هوشمندی رسیده‌اند.

✳️ باز هم نکات شما درست، اما من هنوز قانع نشده‌ام، بگذارید بی‌برده این را ببرسم که آیا سایه برخی اتفاقات از خود کمپ دیوید گرفته تا سفر محمدرضا پهلوی به مصر، موضع‌گیری‌های انور سادات علیه امام و انقلاب، موضوع خالد اسلومولی و بسیاری مسائل دیگر، سایه حادقایی را پس

بیش از چهار دهه برای عدم احیای روابط ایران و مصر دارد؟

به نظر من این مسائلی که گفتید دیگر تاریخی شده و به تاریخ پیوسته است.

✳️ اما نمی‌توان تاریخ را پاک کرد؟

بله، نمی‌توان تاریخ را پاک کرد.

✳️ پس نقش‌آفرین است؟

متنکر نقش‌آفرینی‌اش نیستم، اما به گفته احمد ماهر، وزیر امور خارجه اسبق مصر که در دوره خود با دکتر خزازی، همتای ایرانی برای ارتقای روابط تهران و قاهره تلاش می‌کرد، ما باید از این موضوعات عبور کنیم. خاطرم هست احمد ماهر در همان برهه، در مصاحبه‌ای عنوان کرده بود که «کمپ دیوید به تاریخ پیوسته است، درست است که نمی‌توان تاریخ را نادیده گرفت، اما آنچه ضرورت دارد، عبور از تاریخ و نگاه رو به جلو است». اکنون پارامتر کلیدی، تمرکز روی منافع جمعی و اصطلاحا منافع مشترک است. واقعا منافع ملی مشترک ایران و مصر، در احیای روابط دو کشور است. پس رجوع به تاریخ و بنش قبر آن، هیچ کمکی به هیچ کشوری نمی‌کند. من اکنون ضرورتی نمی‌بینم دوباره به ۵۰، ۴۰ سال گذشته بازگردیم؛ به قول خودت ما اکنون در سال ۲۰۲۵ هستیم. با توجه به آینده دو کشور ایران و مصر، آینده منطقه خاورمیانه و آینده معادلات جهانی، باید در کمترین زمان ممکن روابط تهران و قاهره احیا شود. به نظر من بیش از این تأخیر در آن جای نیست. بله، من هم به گفته شما اذعان دارم که تاریخ را نمی‌توان پاک کرد، اما باید از آن گذریم و یک صفحه جدید در روابط ایران و مصر باز کنیم. نباید و نمی‌توان در گذشته ماند. هر چند می‌توان از گذشته درس گرفت و نودید یک مناسبات عمیق، حسنه، پخته و مبتنی بر احترام متقابل را داد که ضرورت هر دو کشور ایران و مصر و کل منطقه خاورمیانه است. شما به ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، امنیتی، دفاعی، اقتصادی و تجاری هر دو کشور ایران و مصر نگاه کنید و ببینید نگاهی که قاهره چه پتانسیل‌های زیادی دارد؛ حالا تصور کنید که اگر روابط دو کشور احیا و زمینه همکاری مشترک در هردکدام از این حوزه‌هایی که نام بردم فراهم شود، چه منافع سرشاری را متوجه ایران و مصر و حتی متوجه کل منطقه خاورمیانه خواهد کرد. واقعا اگر ما روابط خود را با مصر احیا کنیم، معادلات خاورمیانه نیز به شکل معناداری تغییر پیدا خواهد کرد.

✳️ نه‌تنها خاورمیانه حتی کمربند عربی شمال آفریقا تغییر پیدا می‌کند.

بله، چون مصر علاوه بر اینکه یک بازیگر مهم در خاورمیانه محسوب می‌شود، یک بازیگر بسیار کلیدی در مناسبات قاره آفریقا نیز هست. پس صرفا موضوع کمربند عربی شمال آفریقا نیست. به همین دلیل است که من تأکید می‌کنم نباید و نمی‌توان بیش از این احیای روابط با کشور کلیدی مانند مصر را به تأخیر انداخت. مصر چند بُعد اساسی و کلیدی دارد؛ هم بازیگر مهمی در جهان عرب است، هم بازیگر کلیدی در جهان اسلام محسوب می‌شود، هم یکی از کشورهای مهم در منطقه حساس خاورمیانه به شمار می‌رود و هم یک عضو جدی قاره آفریقااست. اینجاست که وزن مصر مشخص می‌شود.

✳️ اگر بخوایم به یک تحلیل مقطعی ورود کنیم، عراقچی در شرایطی به مصر سفر می‌کند که زمزمه یک توافق احتمالی درباره جنگ غزه مطرح است. اکنون می‌توان به همسویی بیشتری در روابط دو کشور چشم دوخت؟

به نظر من مسئله صرفا به توافق احتمالی در این مقطع خاص بازمی‌گردد، بلکه بعد از هفتم اکتبر، جنایات بی سابقه اسرائیل در حق مردم فلسطین و ساکنان غزه عملا یک جریان ضداسرائیلی را در کل منطقه و جهان شکل داده و به همین واسطه اکنون بستر فضای مناسبی برای بهبود روابط برخی کشورها با ایران به وجود آمده که نمونه مشخص آن، روابط تهران – قاهره است. به هر حال مصری‌ها هم به عنوان یکی از مهم‌ترین اعضای جهان عرب و جهان اسلام نمی‌توانند نسبت به تحولات فلسطین بی‌تفاوت باشند. پس قطب‌نمای تحولات فلسطین می‌تواند به عنوان یک عامل همگرا در روابط عربی با ایران نقش‌آفرینی مثبتی داشته باشد و با افزایش همکاری‌ها، تعاملات و مناسبات، به نحوی مانع از ادامه این جنایات اسرائیل شوند. به همین دلیل است که معتقدم اسرائیل‌ها به‌هیچ‌وجه دل خوشی از ارتقای روابط ایران با کشورهای کلیدی مانند عربستان و مصر ندارند. این میزان از جایات و قساوت اسرائیل در حق مردم فلسطین و به‌خصوص ساکنان غزه، اکنون یک نوع نیاز به پاسخ‌گویی را هم در افکار عمومی کشورهای جهان عرب و جهان اسلام و هم در خود مقامات و مسئولان کشورها ایجاد کرده است که می‌تواند خودبه‌خود برخی پارامترهای تنش‌زای سابق را کنار گذاشته و همکاری جمعی منطقه‌ای و بین‌المللی علیه اسرائیل را شکل دهد. من باور دارم که بعد از هفتم اکتبر، با توجه به جنایات اسرائیل، فضای بسیار مناسبی شکل گرفته که دید به‌جبه واحد از سوی جهان اسلام علیه اسرائیل شکل بگیرد.

✳️ اگر مذاکرات ایران و آمریکا به نتیجه برسد، روی مناسبات تهران – قاهره اثرگذار است؟

مسئله صرفا تهران و قاهره نیست. به نظر من اگر این مذاکرات به موفقیتی دست پیدا کند، روی مناسبات منطقه‌ای ایران و حتی مناسبات بین‌المللی تهران اثرات مثبت خود را دارد. به هر حال ما از تحریم‌ها لطمه‌هایی جدی خورده‌ایم و اگر مذاکرات به لغو تحریم‌ها منجر شود، قطعا تقویت وزن دیپلماتیک ایران در منطقه و جهان را به دنبال دارد که فاکتور مهمی در بهبود سیاست خارجی منطقه‌ای کشور خواهد بود و مشوقی برای کشورهای است که به دنبال تقویت یا احیای روابط با ایران هستند و بدون شک مصر هم از این قاعده استثنا نیست.

✳️ روی سؤال حوزه تخصصی‌تر شما یعنی لبنان تمرکز کنیم. عراقچی قرار است سفری هم به لبنان داشته باشد، اما جوزف عون، رئیس‌جمهور و نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان تصویری متفاوت از بیروت به تهران مخایره می‌کند که...

اجازه دهید همین‌جا گفته شما را قطع کنم. ما با لبنان جدید مواجه هستیم...

✳️ یعنی شما تفکیکی بین لبنان جدید و لبنان متفاوت قائل هستید؟

بله، ما با لبنان متفاوتی مواجه نستیم، ولی یک لبنان جدید وجود دارد.

یادداشت

امام^(ع)؛ روحانی انقلاب‌گرا



محمدعلی‌وکیلی

نماینده‌سابق مجلس

در آستانه سالگرد ارتحال امام(ره) هستیم و جا دارد مروری کوتاه به برخی از ابعاد شخصیت سیاسی و فقهی ایشان داشته باشیم:

۱- امام(ره) در روایت‌های تاریخی دو وجه دارد یا دو روایت تاریخی از ایشان در مقاطع مختلف برجسته می‌شود. روایت اول یک روایت روحانی انقلاب‌گر است که یک روایت همراه با سوگیری غیر منصف است. یک روایت از یک شخصیت انعطاف‌ناپذیر و جنگنده که این روایت در طول این سال‌ها روایت اصلی بوده است. البته اقتضای روایتگری در ابتدای انقلاب هم همین بود. هم اقتضای شخصیتی ایشان بود و هم اقتضای فضای حاکم.

۲- اما روایت دیگری هم در این سالیان برای ایشان بود که تحت‌الشعاع روایت اول و آن ویژگی‌های روشنفکری امام بود و توجهشان به حقوق زنان و حقوق عامه مردم به‌خصوص اعتراض ایشان در انتهای عمرشان به ناآرامی‌ها. این بخش از او یک روایت روشنفکرانه ساخته ولی این روایت تبدیل به روایت رسمی نشد.

۳- همچنان روایت رسمی که تلوینزون مبلغ این روایت بود و نهادهای متصل به قدرت در این دو روایت بودند ترجیح‌شان همچنان روایت یک روحانی با صلابت با اقتدار انعطاف‌ناپذیر و جنگنده بود. اما آن روایت لطیف که نیاز بطن جامعه و بدنه اجتماعی بود و نیاز امروز و فردای کشور هست، روایت آن توجهات ظریف به حقوق مردم هم در قانون اساسی و هم ساخت قدرت و به‌خصوص جامعه زنان و با فناوایی که بوی روشنفکری می‌داد چه در ارتباط با موسیقی که در ارتباط با تعریف مضیق از قمار و یا تفسیر موسع از موضوع موسیقی، اینها به هر حال نشان می‌داد که حکومتی که ایشان بنا کرده، این حکومت تفسیر داعشی ندارد یا نگاه داعشی ندارد. نگاه ایدئولوژیک حاکم‌تری ندارد، بلکه نگاهش همزاد و همراه است با حقوق بشر و حقوق عامه و ناظر بر مطالبات بطن جامعه و جامعه در حال حاضر نیاز مبرم به بخش دوم روایت امام خمینی(ره) دارد. امروز جامعه ایران به‌شدت نیازمند بازتعریف شخصیت ایشان از منظر حقوق عامه و حقوق زنان و نگاه‌های ضعیف به حقوق طبقات آسیب‌پذیر و گشایش‌هایی که ایشان در فقه شیعه ایجاد کرده است.

۴- و اما در حال حاضر ضروری است تا در حوزه دیپلماسی و ارتباطات بین‌المللی نیز با تاسی از فقه و اصول امام، منافع ملی را به طور عزتمندانه‌ای به پیش ببریم. در همین راستا توجه داشته باشیم که یک اصولی به نام اصول حاکم یا سیاست‌های حاکم وجود دارد که امام به عنوان یک فقیه ذیل آن و فتواهای حاکم در حقیقت نمایز فقهی که با دیگر فقه‌ای هم‌عصر خودش داشت به خاطر آن اصول حاکم بود. یکی از آن اصول حاکم این بود که اولاً دفع افسد به فاسد است و دوم تقدم امر ضروری بر امر غیرضروری است یا یک اصلی وجود دارد که باید ایندیشان است به نام اصل حفظ نظام.

۵- تقدم اصل حفظ نظام بر فروعی مثل حتی حج و یا نماز که گفتند می‌شود نماز را تعطیل کرد برای حفظ نظام. اصولی که حاکم بر ذهنیت ایشان بود و ذیل آن توانستند حقیقت‌های را ارائه دهد به نام فقه پویا، اگر همان اصول حاکم، در حکمرانی مد نظر قرار بگیرد حتما ما در حوزه سیاست خارجی هم در مزبندی بین دشمن دیروز و دوست امروز می‌توانیم به آن متوسل شویم و سیاست خارجه را از یک سیاست خارجه خطی به سیاست خارجه سینوسی تبدیل کنیم و منحنی سیاست خارجه امام نمایشگر دخالت عنصر زمان در تصمیم‌گیری‌های راهبردی در حوزه سیاست خارجه باشد. به عبارتی الان اقتضا می‌کند که تاکتیک‌ها تغییر کند؛ زیرا سیاست خارجه امری است اقتضایی و نه امری خطی، بنابراین تابع شرایط مختلفی می‌توانیم برای حفظ اصول اولیه تاکتیک‌هایمان را تغییر دهیم.